

مقایسه میان عقل و عشق بر اساس تفکرات صوفیان به عنوان شیوه‌ای برای کسب معرفت و نقش آن در تربیت

افسانه زارعی ده باغی^۱

بیان مسأله

پارادایم‌های پژوهشی گوناگون، روش‌های متفاوتی برای ایجاد ارتباط بین ایده‌ها، تجربه اجتماعی و واقعیت اجتماعی ارائه می‌دهند و تا حدود زیادی این روش‌ها، در مفروضات هستی‌شناسی و معرفت‌شناختی که پارادایم پژوهش اتخاذ می‌کند، بیان می‌شود. هدف از این پژوهش بررسی ادعاهای صوفیان در باب کسب شناخت می‌باشد. تا نقشی که نگاه خاص این افراد به آدمی و تربیت وی دارند آشکار گردد. صوفیان شیوه‌های تربیتی متفاوتی برای کسب معرفت و شناخت دارند، این دسته عقل را ناقص دانسته و بر معرفت به شیوه‌ای عاشقانه و منحصر به فردپای می‌فشارند. با نظر به این مطلب که در نظام‌های تربیتی نیز تربیت آدمی حول محور عقلانیت می‌چرخد و جنبه احساسی و عاشقانه تربیتی مغفول مانده است، این مقاله در پی آن است که با دو رویکرد تفسیر‌گرایی و تحلیل تطبیقی به مقایسه دو مفهوم عقل و عشق از زاویه تفکرات صوفیان بپردازد که هدف این بررسی کشف تفاوت‌ها و تشابهات‌های این دو نگرش درباره شناخت می‌باشد. صوفیان عقل را حائلی سخت در اطراف انسان می‌بینند و معمولاً انسان به دلیل داشتن عقل در بالاترین مرتبه از میان هستی‌های دیگر در نظر گرفته می‌شود. لیکن در حقیقت همین عقل از دیدگاه صوفیان، پرده‌ای ضخیم در اطراف انسان می‌تند که به "خودنگری" مبدل می‌شود. بدینسان در این رویکرد، دو شناخت متفاوت خواهیم داشت؛ در تصوف شناخت با عشق و کنار نهادن عقل (نه برای همه) میسر می‌شود. وجه مشترک عقاید ایشان این است که هر فردی می‌تواند از طریق تزکیه نفس و رهایی از هوسهای جسمانی و ترک علایق دنیوی و پرهیزکاری و سیر و سلوک بلاواسطه به حقیقت تام واصل گردد و شخصاً با خداوند تماس یابد و در مرحله عالی «حقیقت» را «طریق» تصوف حتی کاملاً به خداوند بپیوندد و متصل گردد. شرط لازم این پیوستگی این بود که شخص به اختیار از دنیا و «من» خویش دست بکشد و خود را «فنا» سازد

zareiafsaneh@yahoo.com

^۱- دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم تهران،



سومین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران
روش‌شناسی و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت

و خویش را در ذات حق مستحیل کند (پطروشفسکی، 1365، ترجمه کشاورز، 13). با توجه به مطالب مورد بحث این مساله مطرح می‌شود که حقیقت در اندیشه صوفیان چه مفاهیمی را در بر می‌گیرد و طریق کسب معرفت بر اساس روش عاشقانه و عارفانه آنها تا چه اندازه و بر اساس چه ملاکی قابل توجیه می‌باشد.

سوال‌های پژوهش

- 1- مفروضه‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی صوفیان شامل چه موارد و بر اساس چه معیاری است؟
- 2- رابطه عقل و عشق در کسب معرفت چگونه خواهد بود؟
- 3- شیوه‌های خاص این افراد در تربیت چیست و چه مراحل دارد؟

چارچوب نظری

درباره سرچشمه و خاستگاه عرفان و تصوف از دیر باز، آراء و اقوال متعددی بیان شده است. زرین کوب بر این باور است که منشا واقعی تصوف اسلامی اسلام و قرآن بوده است (زرین کوب، 1362، ص 14).

تصوف اسلامی از مهم‌ترین جریان‌های فکری و فرهنگی کل جهان اسلام و بلاخص ایران بوده است. صوفی‌گری در کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی از گذشته‌های دور تا به امروز، به صورت‌های متفاوت خود را نمایان ساخته است. در بسیاری از نقاط، افراد بسیاری به فرقه‌ها و گروه‌های مذهبی و شبه مذهبی گرایش پیدا می‌کنند و ملزم به انجام مناسک خاص این فرقه‌ها می‌گردند (دهقان، 1383).

روش‌ها

در این پژوهش از دو روش تفسیر‌گرایی و تحلیل تطبیقی استفاده می‌گردد. که سوال اول پژوهش با توجه به تفسیر‌گرایی و سوال دوم با استفاده از روش تحلیل تطبیقی مورد بررسی قرار



می‌گیرد. تفسیرگرایی خاستگاه‌هایش را از هرمنوتیک و پدیدارشناسی گرفته است. طبق تفسیرگرایی مطالعه پدیده‌های اجتماعی مستلزم فهم دنیای اجتماعی است که افراد شکل داده‌اند و آن را از طریق فعالیت‌های مستمرشان باز تولید می‌کنند. بدین ترتیب افراد به طور مداوم درگیر تفسیر و باز تفسیر دنیای شان (موقعیت‌های اجتماعی، کنش‌های افراد دیگر، کنش‌های خودشان و...) هستند (بلیکی، ترجمه آقاییگ پوری، 1389).

با استفاده از روش تحلیل تطبیقی به مقایسه عقل و عشق از تصوف پرداخته خواهد شد. در روش تحلیل تطبیقی مقایسه تحلیلی موضوع‌ها، گزاره‌ها، افراد، گروه‌ها یا دوره‌های زمانی است که شباهت‌ها یا تفاوت‌های آن‌ها را آشکار می‌کند.

یافته‌ها

صوفیان بر این باورند که برای رسیدن به حقیقت به عقل نمی‌توان اعتماد نمود، ایشان راه دل و تصفیه باطن را راهی مطمئن برای دست‌یابی به حقیقت دانسته‌اند (دهقان، 1383). بر همین اساس از نظر عرفا انسان و انسانیت در سایه عشق به وجود می‌آید و کمال انساندر عشق به خدا تجلی می‌یابد. عارف معتقد است که عشق در همه موجودات سرریان دارد (مطهری، 1380، ص 172). در همین راستا در دیدگاه عرفان اسلامی نیز عشق ذات انسان را تشکیل می‌دهد و منبع عشق مانند منبع زیبایی و کمال در درون انسان قرار دارد. بدین معنی که در وجود آدمی میل به سوی کمال، زیبایی و عشق به صورت فطری وجود دارد. بدین سان از دیدگاه صوفیان و عرفا شناخت کامل به وسیله عشق صورت می‌گیرد و عقل تنها تا مرحله‌ای می‌تواند به شناخت رهنمون شود. عرفا و مشایخ صوفیه بر این باورند که اگر انسان می‌خواست کلیه رویدادهای جهان هستی را از آغاز فقط با نیروی عقل خود بررسی کند در این صورت از حد توانایی‌های خود خارج و موجب می‌شد که تجلیات بی‌پایان در طبیعت و در سیر تاریخ او را منکوب کند. از همین رو تربیت آدمی قبل از هر چیز امری درونی است که خود فرد در آن نقشی اساسی دارد. و در این میان علاقه قلبی فرد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

از سوی دیگر در عرفان و تصوف به انسان از منظر پیوند با مطلق نگریسته می‌شود. انسان کامل از دیدگاه محی‌الدین عربی، انسانی است که وحدت ذاتی خویش را با خداوندی که بر



صورتش خلق شده، متحقق می‌سازد (همدانی، 1387). عرفا بر این عقیده‌اند که عشق کلید همه معماها و رازهای پنهانی است. عده‌ای عشق را خود حق دانسته و برخی آن را موهبت الهی می‌دانند. ابتدای عشق، ابتدای زندگی بشر است. در عشق الهی عامل ظهور عشق بر خلاف عشق انسانی که معشوق در آن وجودی محسوس و مشهود است، ایمان به خداست و چون خود ایمان از فضل خداست، عامل پدید آمدن این نوع عشق نیز عنایت و موهبت الهی است (ابن منظوم، 1363، ص 251).

نتیجه‌گیری، بحث و پیشنهادات

عشق و عقل وجوه اشتراک و افتراق‌هایی با هم دارند که نمی‌توان به سادگی یکی را بر دیگری برتری بخشید. با نظر به اینکه موافقان این فرقه آن را راهی برای تزکیه نفس و شناخت خدا به شیوه‌های غیر عقلانی و مبتنی بر عشق می‌دانند، از سوی دیگر مخالفان این دسته بر این باورند که تصوف در برهه‌های تاریخی خاصی شکل گرفته و نشوونما یافته است.

اما می‌توان به عشق از منابع مهم شناخت غیر عقلانی نیز اندیشید، گرچه این شیوه برای بسیاری قابل درک نمی‌باشد و از سوی دیگر این شیوه به راحتی قابل آموزش نیست، با این حال جنبه‌های تربیتی خاصی در این دیدگاه وجود دارد که نظام‌های تربیتی با پیشرفت‌های زیاد از آن‌ها غافل بوده‌اند. نخستین اصلی که در این دیدگاه وجود دارد عدم اعتماد به عقل صرف و توجه به عشق است. این توجه در واقع توجه به میل و علاقه فرد است و قبل از هر عاملی به خود فرد می‌نگرد. برزینکا (1928) بر این باور است که عواطف بشری کانون معنویات است. اگر تعلیم و تربیت بخواهد انسان را به رشد و استقلال معنوی برساند در این صورت باید علاوه بر پرورش عقل و منطق به کانون معنویات او نیز توجه شود.

واژگان کلیدی: تصوف، حقیقت، عقل، عشق.



منابع

- 1- ایزوتسو، توشیهیکو(1378)، صوفیسم و تائویسم، ترجمه محمد جواد گوهری، چاپ اول: تهران: انتشارات لیلا
- 2- باقری، خسرو(1389) رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- 3- بلیکی، نورمن،(1389)، استراتژی‌های پژوهش اجتماعی، ترجمه هاشم آقابلیگ پوری، چاپ اول، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- 4- شمشیری، بابک،(1385) تعلیم و تربیت از منظر عشق و عرفان، چاپ اول، تهران: چاپ گلشن
- 5- Moseley, Alexander(2006). Philosophy of Love. The Internet Encyclopedia of Philosophy. Available.
- 6- Given, Lisa M.(2008). The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods. University of Alberta Copyright © 2008 by SAGE Publications.